

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکیمانه

(۲)

نقیس ساری

سرشناسه : سلوکی، نفیسه، ۱۳۴۷ -
 عنوان و نام : حکیمانه‌ها (۲)/تالیف نفیسه سلوکی.
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی، ۱۳۹۸.
 مشخصات : ۱۵۶ص.
 ظاهری :
 شابک : ۲۵۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۴-۰۵۹۷-۰
 وضعیت فهرست : فیا
 نویسی :
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : داستان‌های اخلاقی -- مجموعه‌ها
 موضوع : Ethical fiction* -- Collections
 موضوع : داستان‌های آموزنده فارسی -- مجموعه‌ها
 موضوع : Didactic fiction, Persian -- Collections
 رده بندی کنفره : ۲۴۹/۵BP
 رده بندی دیوید : ۲۹۷/۶۸
 شماره کتابخانه ملی : ۵۸۰۴۰۱۰

م. کتاب: حکیمانه‌ها (۲)

تألیف: نفیسه سلوکی

ناشر: محقق اردبیلی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: شیران نگار اردبیل

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ریال

نوبت و سال نشر: اول / ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۴-۰۵۹۷-۰

آدرس: اردبیل سه راه دانش بازار معطری طبقه فوقانی پلاک ۸ تلفن
 ۳۳۲۴۰۰۸۱

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	ساربان، انگشت و انگشتی
۱۲	زود قضاوت نکنیم
۱۳	شکار خلقت
۱۴	باجیم بعد پاسخ دهیم
۱۶	هر آیه ای که بی خوانی آتشی بر آتش افزوده می شود
۱۷	میوه صبر
۱۹	گاهی زین به پست رگه پست به زین
۲۱	این نیز بگذرد
۲۲	انتقام خدا از ظالم
۲۵	جلودی فرمانده سفاک هارون و له ب امام رضا (ع)
۲۷	عدالت خداوند
۲۹	چقدر از این الحمد الله ها گفته ایم
۳۰	خاطره استاد (زود قضاوت نکنیم)
۳۲	یک دوستی الهی
۳۵	خاطره استاد
۳۶	دقت کن در حال امتحان هستی
۳۹	جرات اصلاح داشته باشیم
۴۱	جزای خجالت درویش

- ۴۲ شباد و سلمانی
 ۴۳ سلیمان نبی و تعجب عزرائیل
 ۴۵ صدقه معامله با خداست
 ۴۶ نامه ای به خدا
 ۴۹ خدا چه میخورد چه می پوشد و چه کار میکند؟
 ۵۱ خدا پیش شما چقدر اعتبار دارد؟
 ۵۳ هم صورت حساب با یک لیوان شیر پرداخته شده!
 ۵۶ لطف بندگان دیده نخواهد شد
 ۵۷ شهری را از شرش آمن بخورد
 ۶۰ ما چگونه قرآن را لاوت می کنیم؟
 ۶۱ عزت یا عمر طولانی با خست
 ۶۴ ناصرالدین شاه و در شک حلی پیر
 ۶۶ سواره از پیاده خبر نداده - سیرال گرسنه
 ۶۸ من تا ته جهنم نرفتم!
 ۷۰ صدقه را بنگر که چه می کند!
 ۷۲ زنده شدن مرد نباش
 ۷۵ دلیل مسلمان شدن پرفسور برلون (پزشک آلمانی)
 ۷۷ خاطره استاد (جمال مستجاب الدعوه)
 ۷۹ بهشت را به بها دهند نه بهانه
 ۸۱ از مکافات عمل غافل مشو (خاطره استاد)
 ۸۴ سوء ظن و بدگمانی دلیل قضاوت نادرست
 ۸۷ همه بدنش جز دست و سینه اش خاکستر شد

- درختی را که در خارج فصل بار بدهد باید از ریشه درآورد ۸۹
- چهار جمله لقمان برای سعادت ۹۲
- زنی که همیشه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می گفت ۹۳
- خاطره استاد (محبت و کینه مار) ۹۵
- لَا إِلَهَ إِلَّا بِهِ زبَان یا به قلب ۹۷
- مثل خیاط هم در کوزه افتاد ۹۹
- جرمه ای از کرامات امام حسین علیه السلام ۱۰۰
- خامره استاد (فهمیدم صادق باشم آرامش خواهم داشت) ۱۰۲
- هم خود را هلاک و هم مرا به بند کشید. ۱۰۳
- نردبان ۱۰۵
- مشکل کجاست ۱۰۶
- کم گوی با هیچ مگو ۱۰۸
- عادت ها اول بصورت مهمان می آیند ۱۰۹
- بازرگان نادان - مرد دانا ۱۱۰
- مراقب رفتارمان باشیم ۱۱۱
- از خود گذشتگی نخستین پایه دوستی است ۱۱۲
- قبض روح شدن حضرت موسی ۱۱۴
- دوست حسود ۱۱۶
- از چغندر تا پیاز شکر ۱۱۷
- کلام استاد ۱۱۹
- روزی حلال ۱۲۱
- حکایت ملانصرالدین و آن شاء الله ۱۲۵

- ۱۲۶ سگ صلح کند به استخوانی
- ۱۲۸ توبه ی مرد جوان و رحمت خدا
- ۱۳۱ تو نیکی کن در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز
- ۱۳۳ تدبیر کننده امور خداست
- ۱۳۴ محمد بن سیرین وزن هوس ران
- ۱۳۷ خاطره استاد (احترام به والدین)
- ۱۴۰ دلائل استاد (چند نکته حکیمانه)
- ۱۴۱ خیسبه خود را چگونگی پر می کنیم؟
- ۱۴۳ رفیق نه و
- ۱۴۴ حفظ عفت برای جان
- ۱۴۶ ناامیدی صاحب چه در را می کشد.
- ۱۴۷ سلام حسین را به او برسان
- ۱۴۹ خاطره استاد
- ۱۵۱ کلام استاد
- ۱۵۲ معجزه عشق
- ۱۵۵ دیوانه دانا
- ۱۵۶ اثر کمک به مرده در طاس حمام

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

(مائده - آیه ۹)

"قطعا وعده ی مغفرت و پاداش بزرگ خداوند از آن کسانی

است که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند"

شهر ایزد منان را، که این بنده حقیر را مورد لطف و عنایت خود قرار داده و از لطاف رحمتش متنعم ساخته است و توفیق خدمت به اهل بیت حبیبهم السلام و بندگانش را نصیب اینجانب فرموده است.

با توجه به استقبال خوانندگان از کتاب حکیمانه (۱) که حاوی حکایات و سرگذشت انسان های پاک و زاهدان و صالحان مخلص خدا بود بنده را مصمم کرد که جلد دوم این کتاب را نیز تحریر و منتشر نمایم تا صدقه جاریه ای باشد برای این حقیر و کسانی که در نشر و پخش این کتاب همکاری کردند. در جلد دوم حکیمانه تلاش شده است از کلمات سنجیده و خاطرات اساتید بزرگوار همچنین از خاطرات خودم در دوران تحصیلات در حوزه و دانشگاه بدون ذکر نامشان استفاده نموده

وبه رشته تحریر درآورم، ان شاء الله که مورد پسند مخاطبان عزیز قرار گیرد.

بعضی از حکایات نوشته شده در این مکتوب به صورت افسانه به صورت دهان به دهان بیان شده و به دست ما رسیده است و ما نیز در صدد اثبات حقیقت این مسایل نیستیم بلکه آنچه مدنظر است صرفاً استفاده از تأثیرات اخلاقی، انسانی و یا ادبی این حکایات می باشد "العاقل یکفیه الاشارة"

سعی داریم از حکایات کوتاه و شیرین و بدون الفاظ سخت استفاده نماییم تا فهم و درک مطالب برای همه اقشار جامعه بخصوص افراد کم سواد قابل استفاده باشد

در خاتمه از تمامی افرادی که در به ثمر رسیدن این کتاب همکاری و همیاری داشتند صمیمانه تقابیر و قدرانی می نمایم خداوند پشت و پناه همه آنان باشد. ان شاء الله

نویسنده سلوکی